

## هویت فردی و مصرف: خوانشی انتقادی از رمان باشگاه مشت‌زنی اثر چاک پالانیک

دکتر محسن خالصه دهقان<sup>۱</sup>

### چکیده

مصرف به انحاء مختلف در فرهنگ و اندیشه بشری متجلی گردیده است. یکی از اشکال مصرف که در عصر حاضر بسیار برجسته می‌نماید، ایستادگی و مقاومت در برابر سلطه استعمار است که امروزه به شکل رفاه‌زدگی و مصرف‌گرایی بنیان خانواده و هویت افراد انسانی را مورد هجوم قرار داده است. قرن بیست‌ویکم شاهد تولد واقعی جامعه مصرفی معاصر آمریکا است. جامعه معاصر آمریکا با مصرف‌گرایی جهت‌دهی شده و با مادیگری خود را معرفی می‌کند. نظام سرمایه‌داری، مدت‌های مدیدی است که فرهنگ مصرفی را به‌عنوان رویای آمریکایی اشاعه داده و خود را مدینه فاضله می‌داند. یکی از بارزترین اشکال پایداری در برابر نظام سرمایه‌داری و جامعه مصرفی در ادبیات جهان، رمان باشگاه مشت‌زنی اثر چاک پالانیک است. شخصیت اصلی رمان باشگاه مشت‌زنی، زندگی‌اش عقیم و سازمان‌یافته است که آمریکای یک‌دست شده آن را برای قشر متوسط مردم آمریکا رقم زده است. شخصیتی که با پی‌گیری چرخه نظام‌مند سرمایه‌داری بی‌هیچ علت و سببی به حیاتش ادامه می‌دهد. این فرد مجهول‌الهویه، تنها از مصرف‌کردنی لذت می‌برد که نیروهای نامرئی سرمایه‌داری زمام آن را در دست دارند. شخصیت اصلی رمان باشگاه مشت‌زنی با رها کردن خود از زندگی از پیش مقدر شده در نظام سرمایه‌داری، با پایداری ذهنی و جسمانی در برابر نظام حاکم از خود مقاومت نشان می‌دهد. او نه فقط از جامعه خود را می‌گسلد، بلکه هر آنچه که جامعه محکوم کرده را اجرا می‌کند. چون آنچه سلامت فرد است بیماری جامعه اطلاق می‌شود.

واژه‌های کلیدی: هویت، مصرف، نظام سلطه سرمایه‌داری، رمان معاصر آمریکا.

۱. استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، رشت، ایران.

## مقدمه

به زعم نگارنده، در بسیاری از آثار نویسندگان آمریکایی در گونه رمان، شعر و نمایشنامه، خواننده با قهرمان‌ها و شخصیت‌هایی آشنا می‌گردد که نماد پایداری در برابر نظام یکسویه سرمایه‌داری‌اند. ادبیات غرب، از دوران کلاسیک تا دوران معاصر، سرشار است از اشارات بی‌شمار به پول و تجارت و کسب و کار در بازار و فعالیت‌های اقتصادی دیگر. رمان‌های طیف خاصی از نویسندگان، منجمله چاک پالانیک، با تبیین تأثیر مخرب فرهنگ سرمایه‌داری آمریکایی بر افراد، زوال فرهنگی و سقوط اجتماعی را در این گونه جوامع به تصویر می‌کشند. در این آثار، فرهنگ رایج آمریکایی با ماهیتی ظالمانه از طریق مصرف و آرایش با توسل به اهرم تبلیغات و گفتمان غالب بر رسانه‌ها هویت افراد انسانی را مورد هجمه خود قرار می‌دهد. القاء شعائر و چهارچوب اجتماعی با تمایلات و نیازهای از پیش تعیین شده از طریق سلطه رسانه‌ها و تصاویر به یکسان‌سازی افراد انسانی منتج می‌شود، و به طور مستقیم هویت آنها را از طریق آنچه مصرف می‌کنند، تهدید می‌نماید. در آثار این نویسندگان، جامعه پسامدرن آمریکا، جامعه‌ای سطحی و نمایشی قلمداد می‌گردد که افراد انسانی در آن مصرف‌کنندگانی صرف هستند که با تقلید از فرهنگ القایی رسانه‌ها به تقلید از یکدیگر پرداخته و از نظر ذهنی، احساسی و اخلاقی رو به زوال می‌روند.

برای بیشتر مردمی که در جوامع سرمایه‌داری زندگی می‌کنند، محرک اصلی در صرف هزینه بیش از حد نیاز جسمی، کوشش آگاهانه برای برتری جستن در مصرف نمایان کالاها نیست، بلکه تمایل در جهت خوپذیری با شیوه و معیار آراستگی و تجمل متداولی است که بر حسب کمیت و کیفیت کالاهای مصرف شده صورت می‌گیرد. پذیرش کاستن از سطح هزینه مصرف، بسیار دشوارتر از افزایش سطح متداول مصرف با به‌دست‌آوردن ثروت بیشتر است. بدیهی است کاستن از معیارهای زندگی مصرف‌گرا مشکل‌تر از کاهش دادن معیارهایی است که بارقه‌های مصرف در آنها به چشم نمی‌آید.

در نظام‌های سرمایه‌داری، کودکان به اجبار مصرف‌کننده‌شدن را فرا می‌گیرند؛ آنها با رشته‌ای از امیال برای مصرف‌کردن کالاهایی که در سرمایه‌داری مدرن عرضه می‌شوند، به‌دنیا نمی‌آیند. تجربه‌های آموزشی اولیه نوزادان و پسر/دختر بچه‌ها بر امیالی که آنان بعدها در زندگی‌شان در ارتباط با مصرف‌گرایی در جوامع مدرن/پسامدرن بسط می‌دهند، تأثیر می‌گذارد.

مصرف به‌عنوان یک بخش پایه‌ای از روندی که کودکان از طریق آن وارد فرهنگ‌های غربی و نظام‌های نمادین معنایی می‌شوند، ظهور کرد. در واقع، در سرمایه‌داری مدرن، مصرف به ارتباطها و بیان امیال مصرف‌کنندگانی وابسته است که کالاها را می‌بینند، نه به «نیازهای» آنان، نیازهایی که ریشه در زیست‌شناسی انسان دارند. (باکاک، مصرف ۱۳۴)

این درهم‌آمیختگی روانی یکی از تأثیرگذارترین جنبش‌ها در رمان معاصر است که آثار چاک پالانیک نیز در این زمره قرار می‌گیرند. آنگونه که جیمز آنسلی<sup>۱</sup> اذعان می‌دارد، معنا‌باختگی بازتاب زندگی فرساینده معاصر است که قاطبه شخصیت‌های آن «افراطی، طرد شده و خشونت‌طلب» می‌باشند. این رمان‌نویسان جامعه‌ای سفید و عاری از معنا را تشریح می‌نمایند که در دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ عینیت یافته و با مصرف‌گرایی، خشونت، ناپرهیزی، افراط جنسی، فساد و سوداگری شناخته می‌شود. در نتیجه، منتقدین این گونه ادبی را با پوچ‌گرایی، سرمایه‌داری متأخر یا کالایی‌شدن قلمداد می‌کنند که در بیشتر آثار پالانیک به چشم می‌خورند.

اساسی‌ترین ویژگی عصر معاصر که در این پژوهش نمایان می‌باشد، جامعه‌ای است که با کثرت کالاها و تصاویر رسانه‌ای بی‌حد و حصر، توخالی و کرخت شده است. اگرچه امروزه طیف وسیعی از آمریکایی‌ها رؤیای قدیمی آسایش را در ظاهر تکامل بخشیده‌اند، این میزان از ثروت برای آنها آرامش به‌همراه نداشته است. نکته‌ای که بسیاری از ناظران امر از جمله ال-گر<sup>۲</sup>، معاون وقت رئیس‌جمهور آمریکا بر آن اذعان داشته‌اند: «در دوره‌ای هستیم که با دو گونه افزایش چشمگیر مواجه بوده‌ایم: افزایش دارایی‌ها و لوازم، و در عین حال افزایش مردمی که در زندگی احساس خلأ و پوچی می‌کنند» (الیس، کمتر از هیچ ۴۳). این احساس بیهودگی با میل به مصرف تظاهری که رسانه‌ها آن را تشدید می‌نمایند، تسکین می‌یابد. بحثی که نویسنده این مقاله با استناد به رمان منتخب پالانیک آنرا تحلیل نموده است. دنیای سطحی که شخصیت رمان‌های پالانیک در آن به‌سر می‌برند را می‌توان روند اجتناب‌ناپذیر دنیایی دانست که افرادش تنها به چیزهایی اعتقاد دارند که رسانه‌ها تصدیق کرده باشند.

1. James Annesley
2. Al Gore
3. Tom Spin Bauer

زمانی که پالانیک در دههٔ سی سالگی‌اش در کلاس‌های داستان‌نویسی تام اسپن‌باور<sup>۱</sup> در پرتلند شرکت می‌کرد، علاقهٔ خود را به خلق آثاری در نوع *داستان معنا‌باخته* ابراز نمود. اسپن‌باور خالق مفهوم «نگارش خطرناک» است که در این سبک نویسنده ترس‌های ناشی از احساسات و مضمون‌های عذاب‌آور را با رویکردی تقلیل‌گرایانه تصفیه می‌کند. در رمان‌های پالانیک شخصیت‌ها افراد انسانی نیستند بلکه ماشین‌هایی هستند که در جامعهٔ سرمایه‌داری نقشی به‌عهده دارند. ماشین‌هایی طراحی شده که خود را به سوی نابودی می‌برند. تعریف پالانیک از «ماشین‌ها» را می‌توان به افرادی اطلاق نمود که از فرامین نظام‌مند جامعه در قلمروهای اشغالی تبعیت می‌کنند. این شخصیت‌ها، اجازه می‌دهند که امیال‌شان در قلمروهای جسمانی و ذهنی از قبیل خانواده، محیط کار و اجتماع هدایت شوند و بدن‌هایشان از طریق این فرامین ذهنی و جسمانی تحت استیلای نظام سرمایه‌داری قرار گیرند. این افراد ترجیح می‌دهند جزئی از این ماشین سرمایه‌داری بوده و بر طبق موازین آن گام بردارند. در عین حال، در این داستان‌ها با افرادی مواجه‌ایم که سائقه‌هایی از پایداری در برابر نظام سلطه سرمایه‌داری در آنان متجلی می‌شود. قلمروهایی که در ادبیات پایداری نمود بسیار برجسته‌ای دارند.

در مقاله حاضر برآنیم تا این پایداری در برابر نظام سرمایه‌داری مصرف‌گرا را در اثر معروف چاک پالانیک، *باشگاه مشت‌زنی* مطالعه کنیم. این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و روش مطالعه در آن کتابخانه‌ای می‌باشد. در ادامه، پس از پیشینه تحقیق، مبانی نظری آن عنوان می‌گردد و با اعمال دیدگاه پایداری در قبال مصرف و نظام سرمایه‌داری، رمان مورد نظر بررسی گردیده و به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهیم: ۱. مصرف چه کارکردی در بررسی رمان پسامدرن به‌ویژه آثار پالانیک دارد؟ ۲. شخصیت‌های اصلی رمان‌های پالانیک و واکنش این شخصیت‌ها در قبال مصرف چگونه است.

### پیشینه پژوهش

رمان‌های چاک پالانیک در عین اقبال عامه، مورد نظر طیف بیشماری از منتقدان نیز قرار گرفته است که رمان‌های او را از دیدگاه روایت، طنز، شخصیت‌پردازی، تقابل فرد و اجتماع مورد بررسی قرار داده‌اند. با این وجود، پژوهشی قابل توجه از دریچه پایداری و مقاومت در

برابر سرمایه داری صورت نگرفته و این جنبه مهم در تبیین آثار پالانیک مورد توجه واقع نشده است. نگارنده در نظر دارد با در نظر گرفتن مفاهیم ذکر شده خوانشی متفاوت از اثر باشگاه مشت‌زنی<sup>۱</sup> ارائه دهد. با این وجود، برخی از این دیدگاه‌های قابل تعمق انتقادی در مورد پالانیک را به طور مختصر از نظر می‌گذرانیم.

عمر لیزاردو در مقاله‌اش تحت عنوان "باشگاه مشت‌زنی، یا تناقض‌های فرهنگی سرمایه‌داری متاخر"<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) به این بحث می‌پردازد که اکثر نوشته‌های انتقادی دربارهٔ رمان باشگاه مشت‌زنی ارتباط این رمان را با مضامین جنسیت و رجولیت مطالعه کرده‌اند. به زعم لیزاردو، این خوانش‌ها در اصل جنبه‌هایی از فیلم باشگاه مشت‌زنی را برجسته می‌کنند که واکنشی در برابر ساختارهایی زنانه‌کننده‌ای است که مردان در ماشین اقتصاد خدمت‌محور سرمایه‌داری تجربه می‌کنند. لیزاردو با تکیه بر اثر دانیل بل، تناقضات فرهنگی سرمایه‌داری<sup>۳</sup>، خوانش وبری جدیدی از رمان را مطرح می‌کند که بیشتر جنبه‌های اثر را که در خوانش جنسیت‌گرا، عاری از معنا به نظر می‌رسید، معنای خاصی می‌بخشد. در این مقاله، لیزاردو چنین نتیجه‌گیری می‌کند که، رمان باشگاه مشت‌زنی را می‌توان تلاشی تازه شکل گرفته در جهت ایجاد آگاهی طبقاتی و نقشه‌ای شناختی در بستر سرمایه‌داری متاخر تفسیر نمود.

در اثر ارزشمند مقدس و قبیح که در سال (۲۰۰۹) توسط جفری سارتین در نقد و بررسی آثار پالانیک منتشر شد، سارتین اعتقاد دارد که، «آثار پالانیک چند صدایی، انتقاد آمیز و قابل ارجاع هستند» (ص ۱۷). سارتین بیان می‌دارد که، پالانیک در آثار خود متوجه شرایط اجتماعی بوده و رمان‌های او بازتاب شرایط اجتماعی زمانه او هستند. پالانیک در راه نائل شدن به اعماق زندگی شخصی، ذهنی و سیاسی شخصیت‌های خود متوجه اندیشمندانی چون مارکس، فروید، بودریار و ویرلیو بوده است. این کتاب از مجموعه مقاله‌هایی در بررسی آثار پالانیک تشکیل شده است. از جمله: پالانیک و انقلاب روزنامه نگاری، تاریخ در آثار چاک پالانیک، تقابلی آزادی و محدودیت در آثار پالانیک، فوکو و آلتوسر در آثار اولیه پالانیک.

1. *Fight Club*

2. Daniel Bell's *Cultural Contradictions of Capitalism*

از دیگر منابع ارزنده در زمینه داستان پسامدرن آمریکا به ویژه آثار چاک پالانیک، اثر برجسته، خرید در فضا: مقاله‌هایی در مورد داستان‌های نسل توخالی (۱۹۹۲)، نوشته الیزابت یانگ و گراهام کیونی است. در این اثر بر این نکته تأکید می‌شود که، جامعه آمریکا در دهه ۱۹۸۰ دستخوش یک نوزایی قابل توجه شده است. و نویسندگان جوان و هنرمندان این جامعه نیز از این تحول بی بهره نبوده‌اند. این گروه از نویسندگان سبکی بی‌تکلف اتخاذ کرده و آثار آن‌ها به تمامی جنبه‌های زندگی شهری معاصر از قبیل: جنایت، مواد مخدر، انحرافات جنسی، هجمله رسانه‌ها، جنون مصرف‌گرایی و زندگی شبانه با مدپرستی می‌پردازند. این نویسندگان که چاک پالانیک نیز شامل آنها هست، جایگاهی ویژه در رمان معاصر آمریکا پیدا کرده و خوانندگان بسیاری نیز جلب کردند.

جسیکا کاوادلو در مقاله، داستان خود-تخریب: چاک پالانیک، اخلاق گمراهی پنهان (۲۰۰۵) به تفصیل به این مهم می‌پردازد که به چه نحو مفاهیم زیبایی، امید و داستان عاشقانه به عنوان ارزش‌های قابل توجه در آثار پالانیک باقی می‌مانند. آثاری که در ظاهر زشت، پوچ‌گرا یا اصالت وجودی به نظر می‌رسند، به ویژه رمان‌هایی مانند باشگاه مشت‌زنی (۱۹۹۶) و جان به دربرده (۱۹۹۹) که کاوادلو اعتقاد دارد قوی‌ترین اثر پالانیک هستند. کاوادلو در این مقاله بیان می‌کند که منتقدین شدید پالانیک و طرفداران داستان‌های او به مقوله‌هایی مانند زیبایی، امید و عشق در رمان‌های او بی‌توجه بوده‌اند که به نظر کاوادلو از نکات برجسته در آثار پالانیک هستند.

رابرت بنت در مقاله مرگ سیزیف: ادبیات وجود شناسانه و منطق فرهنگی در رمان باشگاه مشت‌زنی چاک پالانیک (۲۰۱۰) بر این باور است که آثار محدودی به بحث جدی و انتقادی در حوزه ادبیات پرداخته‌اند، اما باشگاه مشت‌زنی پالانیک از این قاعده مستثنی است. در این مقاله، بنت به کشف از خود بیگانگی اجتماعی و وضعیت انسانی در رمان باشگاه مشت‌زنی پرداخته و راه کارهای پیچیده زیبایی شناسانه آن را برای خواننده باز نمایی می‌کند. مقوله‌ای که بنت اعتقاد دارد که طیف بیشتر منتقدین پالانیک نسبت به آن بی‌توجه بوده‌اند. بنت به بحث در این مورد می‌پردازد که بیشتر خوانندگان باشگاه مشت‌زنی، این اثر را تنها از دیدگاه هجو اجتماعی بررسی کرده و آن را تنها هجویه‌ای در نقد جامعه سرمایه‌داری پسامدرن

دانسته، و به ماهیت «خود-انعکاسی»<sup>۱</sup> درونی اثر التفاتی ننموده‌اند. در واقع، در این نوشتار، بنت بحث می‌کند که فلسفه اصالت وجود به عنوان یک نگاه فلسفی و زیباشناختی، گامی بزرگ در جهت تفسیر مشت‌زنی است.

آنتونیو کاسادو دو روچا در مقاله، بیماری و اجتماع در *رمان‌های اولیه پالانیک* (۲۰۰۸) به تفسیر رمان‌های باشگاه مشت زنی، *زنده مانده* و *خفگی* (۲۰۰۱)<sup>۲</sup> می‌پردازد. روچا بر این عقیده است که، این سه رمان را می‌توان به مثابه یک متن واحد در نظر گرفت، چرا که هر سه اثر در برگیرنده یک زمان و مکان، روایت اول شخص واحد، سبک پسامدرنی تند و تیز و مفاهیم یکسان در جهت آزادی و مسئولیت فردی هستند. در واقع، محور بحث روچا در این مقاله این است که، شخصیت‌های این سه رمان در مواقع بحرانی و اوج داستان که با یک بیماری مواجه هستند، ارتباطی خاص با یک اجتماع انسانی برقرار می‌کنند که فصل مشترک «حرکت از بیماری به اجتماع انسانی» را در این سه اثر شکل می‌دهد. روچا بر این باور است که شخصیت‌های آثار پالانیک رویه‌ای غیر معمول در زندگی اتخاذ می‌کنند، اما هدف اصلی آنها در زندگی، حرکت به سمت جمع و جماعت انسانی است. به عنوان مثال، در رمان *زنده مانده*، که کنایه‌ای شدید به مذهب در آمریکا است، تنها چیزی که شخصیت اصلی آن می‌خواهد، پذیرفته شدن در یک اجتماع انسانی است.

در مقاله *چاک پالانیک و انقلاب جدید در روزنامه‌نگاری* (۲۰۰۹) کنت مک کندریک بحث می‌کند که، شواهد زیادی برای این مدعا وجود دارد که آثار پالانیک از نظر لحن، سبک و گونه ادبی شباهت‌های زیادی با سبک روزنامه‌نگاری جدید دارند. مقاله مک کندریک را در سه قسمت می‌توان خلاصه نمود: قسمت نخست که به بررسی توان و ویژگی‌های ادبی روزنامه‌نگاری جدید می‌پردازد. بخش دوم که شباهت‌های سبکی و مضمونی آثار پالانیک و روزنامه‌نگاری جدید را به تصویر می‌کشد. و سرانجام در قسمت سوم که نویسنده، ماهیت و تأثیر این دو نوع سبک نگارش را بر روی دیگری بحث می‌کند.

اسکات اش در مقاله *رفتن به سوی بدن: تنش بین آزادی و محدودیت در رمان‌های پالانیک* (۲۰۱۰) متذکر می‌شود که به تصویر کشیدن تجارت بدن در آثار پالانیک توجه

1. Self-Reflexive

2. Choke

بسیاری از منتقدین را به خود جلب کرده است. در این مقاله، اش این نکته را بحث می‌کند که در دوران پسامدرن، بدن، به طور مشخص مکانی برای کشمکش فرد در جامعه سرمایه‌داری پسامدرن است. به طور کل، این تقابل ما بین فرد و جامعه است که در برگیرنده «بدن‌های جمعی» می‌باشد. در واقع، از نظر اش آن چه قابل توجه است، تنش بین فرد و اجتماع است که به طور ویژه در رمان‌های پالانیک برجسته می‌شوند و بیان‌گر این واقعیت‌اند که علایق افراد انسانی در چالش با یک دیگر بوده و منتج به ناآرامی در ساختار جامعه می‌شود. اش بر این اعتقاد است که، در آثار پالانیک شرایط اجتماعی جامعه معاصر با هوش‌مندی خاصی روایت می‌شوند که نشان دهنده خشونت بین علاقه جمعی جامعه و افراد انسانی است.

### مصرف و ضد مصرف در باشگاه مشت‌زنی

در رمان‌های پالانیک، مقوله هویت با ابزار متفاوتی شکل داده می‌شود که از برجسته‌ترین این ابزار، پایداری در برابر مصرف و رویکرد شخصیت‌ها در قبال نظام سلطه سرمایه‌داریست. مصرف به فرآیندی تبدیل شده است که سرمایه‌داری متأخر یا پسامدرن را متمایز می‌کند. از آنجا که امروزه حس هویت بسیاری از مردم بیشتر بسته به الگوهای مصرف‌اشان است تا نقش کاری‌شان، می‌توان گفت که مرحله جدیدی از سرمایه‌داری ظهور کرده است که مقاومت در برابر آن وجه بارز ادبیات پایداری است.

باشگاه مشت‌زنی اولین رمان قابل توجه چاک پالانیک به حساب می‌آید، اگر چه پیش از این آثاری نوشته است. بعد از این که رمان هیولاهای نامرئی<sup>۱</sup> به خاطر محتوای «تاریک و مخاطره‌آمیزش» اجازه چاپ نیافت، پالانیک با رمانی «تاریک‌تر، پرمخاطره‌تر و تهاجمی‌تر» به صحنه آمد که تصور می‌کرد با مخالفت ناشران مواجه شود. بر خلاف انتظاراتش، باشگاه مشت‌زنی مورد توجه ناشران قرار گرفت و در سال ۱۹۹۶ به چاپ رسید که چند جایزه معتبر داستان‌نویسی را نیز دریافت کرد.

باشگاه مشت‌زنی داستان مردی شیزوفرن را روایت می‌کند که تا انتهای داستان بدون نام می‌ماند و راوی داستان نیز هم اوست. راوی کارمندی سفیدپوست و ناهمجنس‌خواه است. او به جاهای مختلف کشور سفر می‌کند تا به تحقیق در مورد حوادث رانندگی رخ داده برای یک



شرکت خودروسازی بپردازد و شرکت راه‌کاری به‌صرفه در قبال حوادث آتی اتخاذ کند. زندگی شخصی راوی محدود به آپارتمان‌اش در یک مجتمع است، بدون اینکه دوستی، قوم و خویشی یا رابطه صمیمی با کسی داشته باشد. از بی‌خوابی رنج می‌برد. کار یک‌نواخت، کسل‌کننده و زندگی شخصی پوچ‌اش او را به‌ستوه آورده. طبق توصیه پزشک‌اش در جلسات گروه‌های حمایتی خاص شرکت می‌کند. معالجات شبانه او بعد از این‌که زنی به‌نام مارلا اتفاقی در برخی جلسات گروه شرکت می‌کند به‌چالش کشیده می‌شود. مارلا، زنی است که تمایل دارد بیشتر در حاشیه زندگی باشد تا این‌که خود را هماهنگ با آن کند. راوی، در یک سفر کاری با مردی باجذبه به‌نام تایلر دردن ملاقات می‌کند. بعد از این آشنایی، با برگشت به آپارتمان‌ش شاهد سوختن آن در شعله‌های آتش است. تایلر به او پیش‌نهاد می‌دهد، اگر «او را به‌قصد کشت» کتک بزند می‌تواند در منزل او زندگی کند. تایلر و راوی پیوسته در پارکینگ ساختمان به مش‌زنی می‌پردازند و چندین رهگذر نیز در مبارزه خشن آن‌ها شرکت می‌کنند. بدین شکل، تایلر باشگاه مش‌زنی را در زیرزمین یک آبجوفروشی راه‌اندازی می‌کند که مبدل به مجمعی جایگزین، مختص مردانی می‌شود که آنجا را مقدس می‌دانند و در کل کشور با مقبولیت عام گسترده می‌شود. سپس، تایلر ایده سازمان جدیدی به‌نام «پروژه آشوب»<sup>۱</sup> را سامان می‌دهد با این هدف که پایه و اساس تمدن را واژگون کند. راوی، با تروریستی شدن تدریجی پروژه آشوب درصدد برچیدنش برمی‌آید و درمی‌یابد که تایلر همان خود شی‌زوفرنی اوست. ثنویت راوی و تایلر زمانی به‌انتهای خود می‌رسد که راوی تفنگی در حلق خود فرو کرده در حالی که تایلر را نشانه رفته است.

کالاهای مصرفی تمام ذکر و فکر راوی، شخصیت اصلی رمان باشگاه مش‌زنی، هستند. تنها علاقه شخصی او این است که بهترین مبلمانی را بیابد که معرف جایگاه او باشد. او نه‌تنها خود را «برده غریزه مبلمان‌خواهی شرکت آی‌کی‌ای ای»<sup>۲</sup> می‌نامد بلکه، می‌داند «افرادی که سابق بر این با مجله‌های مستهجن به حمام می‌رفتند، اکنون کاتالوگ مبلمان آی‌کی‌ای در دست در حمام می‌نشینند.» (باشگاه مش‌زنی ۴۳) داشتن همان «مبلمان راه‌راه سبز رنگ یوهانشاو»<sup>۳</sup>

- 
1. Project Mayhem
  2. IKEA
  3. Johanneshov armchair
  4. Rislampa Har paper lamps
  5. organizational man

یا همان «لامپ‌های کاغذی ریزلامپ‌ها»<sup>۱</sup> که از جنس کابل و کاغذهای سفیدنشده هستند که به طبیعت آسیبی نمی‌زند» هدف جمعی مردمان قشر متوسط آمریکا می‌گردد که در قالب نظام سرمایه‌داری شکل گرفته‌اند. (۴۳) عمر لیزاردو در مقاله «تناقضات فرهنگی سرمایه‌داری متأخر» به‌نیکویی اذعان می‌دارد که شخصیت اصلی رمان باشگاه مشت‌زنی «لذتی از کنش مصرف کالاها نمی‌برد بلکه، نیروهای پنهانی چرخه آموزش را در دست دارند که او را هدایت می‌کنند.» (۲۲۹) این شخصیت به مثابه عروسک خیمه‌شب بازی اشتیاق مفرطی به مصرف‌گرایی دارد که در یکایک افراد در جامعه متحدالشکل آمریکا نمایان است. جامعه‌ای که امیال افراد را جهت‌دهی کرده و هویت‌شان را با خصلت‌های سرمایه‌داری قالب‌گیری می‌کند. جامعه سرمایه‌داری با محصور کردن افراد با نمادها، تصاویر و سمبولکرا، میل به کالاگرایی را در آنها برانگیخته و سودای نیل به طبقه تن‌آسا را در آنان برمی‌انگیزاند. به عبارت دیگر، پیام سرمایه‌داری این است که، هر چه افراد یک جامعه بیشتر مصرف کنند، زندگی بهتری خواهند داشت. از این رو، شخصیت اصلی رمان باشگاه مشت‌زنی، شادی و دلخوشی را در مصرف می‌جوید تا هویت خود را محقق کند.

شخصیت اصلی رمان باشگاه مشت‌زنی با محصور کردن خود با چنین ابژه‌هایی به "انسان سازمان‌دهی شده"<sup>۲</sup> (ارگانیزیشنال من) تبدیل می‌گردد، همان‌طور که جان بودریار در اثر نظام اشیاء (۳۷) تعریف می‌کند. جان بودریار با تحلیل اشیاء و عملکرد آنها در دنیای معاصر، بر این باور است که ساختارهای اجتماعی سرمایه‌داری متأخر، با ایجاد میل به مصرف، افراد جامعه را به خرج پول بیش از نیاز معمول ترغیب می‌کنند. بودریار اذعان می‌کند که نظام سرمایه‌داری با دست‌کاری نیازهای افراد جامعه به صورت روانی، «طبقه‌ای از مصرف‌کنندگان بهنجار که در تشابه با دیگران، تمایل به بی‌همتا بودن را دارند» می‌آفریند. (نظام اشیاء ۱۸۳) به تعبیری دیگر، کالاها هستند که با دادن درک ناصحیح به مصرف‌کنندگان در بی‌همتا و کامل بودن، هویت آنها را تعریف می‌کنند. به‌زعم دلوز و گاتاری نظام سرمایه‌داری این دام را برای مردم گسترانیده است، چون این نظام "هر شکلی از جامعه را همچون شبیخونی هولناک تسخیر کرده است." (ضد‌ادیپ ۱۴۰) سرمایه‌داری با رمزی‌کردن، امیال بالقوه افراد را با هدف بهنجارکردن، به‌صورتی نظام‌مند، سازمان‌دهی و طبقه‌بندی می‌کند. شخصیت اصلی در رمان

باشگاه مشت‌زنی از انقیادی که محصول جامعه سرمایه‌داری آمریکا هست، در عذاب بوده و خواهان رهنیدن خود از آزادی و رضایت تصنعی منتج از زندگی کالاگونه هست. با رهایی از "شهوایی شدن محض خرید و به‌چنگ‌آوردن کالاها"، شخصیت اصلی رمان از همسان‌سازی خود با جامعه‌ای که "تجدید نیازهای نامحدود" را اقتضا می‌کند سر باز می‌زند. (بودریار، همان جا ۱۸۸) با "کامل و تام و تمام" خواندن خود در کنار اثاثیه اطرافش، شخصیت رمان باشگاه مشت‌زنی از چگونگی تسخیر شدن با کالاهای اطرافش این‌گونه شکوه می‌کند (۴۶):

اسباب و اثاثیه را می‌خری. به خود می‌گویی، این آخرین مبلمانی هست که در زندگی نیاز خواهی داشت. با خرید مبلمان بعد از دو سال، دیگر اهمیت ندارد که چه اتفاقی می‌افتد، چون که دیگر مبلمان مورد نظر را خریده‌ای. سپس، خرید ظرف و ظروف مورد نظر. آن‌گاه تخت خواب دلخواه. سپس پرده‌ها. قالی‌چه‌ها. و بدین‌گونه در لانه دوست‌داشتنی خود به دام افتاده‌ای و چیزهایی که پیش از این در تملک تو بودند، اکنون مالک تو هستند. (باشگاه مشت‌زنی ۴۴)

پایداری شخصیت اصلی در رمان باشگاه مشت‌زنی که در حصار ایدئولوژی‌های سرمایه‌داری متأخر از قبیل مصرف‌گرایی و کالاپرستی گیر کرده است، به تدریج در هیئت یک مقاوم کامل ظاهر می‌گردد. این شخصیت به عنوان یک رزمنده در پایان رمان، به قهرمانی بدل می‌گردد که در برابر نظام سرمایه‌داری قد علم می‌کند. نظامی که با شعار رفاه و آسایش، هویت افراد را از آنان سلب نموده و حيله گرانه و مزورانه در صدد هدم خصایل انسانی است. پایداری که در این شخصیت بروز می‌کند، نیت افرادی بسیار در این‌گونه جوامع است که یارای ابراز وجود نداشته و در بستر ظواهر مادی نظاره‌گر زوال تدریجی خویش‌اند.

### نمود مصرف و سرمایه‌داری در باشگاه مشت‌زنی

همان‌گونه که میشل فوکو بیان می‌کرد، همواره مقاومت بالقوه‌ای در برابر قدرت وجود دارد. شخصیت اصلی رمان باشگاه مشت‌زنی جهت رهایی از تنگ‌ناهای منتج از زندگی سرمایه‌داری دو گزینه پیش روی خود می‌گشاید. نخستین گزینه، شرکت در گروه‌های حمایتی است. زمانی که بی‌خوابی "هر امری را به تجربه‌ای برون بدنی بدل می‌کند"، شخصیت اصلی برای درمان نزد پزشک می‌رود. (باشگاه مشت‌زنی ۱۹) پزشک توصیه می‌کند که او به ندای بدن خود گوش داده و برای "درک نفس درد" در گروه‌های حمایتی شرکت کند چون که بی‌خوابی می‌تواند نشان از بیماری مهمی باشد. (۱۹) شخصیت اصلی هر شب با چهره‌های کاذب متفاوت در

گروه‌های حمایتی مختلف برای بیماران سرطان خون، سرطان پوست، سل و انگل مغز و خون شرکت می‌کند. با وانمود کردن بیماری‌های خاص، شخصیت اصلی از پوسته اجتماعی خود خارج شده و هر شب نقاب از شخصیت خود برمی‌دارد. در این گروه‌های حمایتی همچون دیگری می‌گردد، همانند یک بیمار سرطانی که خودش را در "نسیان و هیچ" درمی‌یابد. (همان جا ۲۰)

شخصیت اصلی رمان باشگاه مشت‌زنی، فکر می‌کند که "رستاخیز" واقعی‌اش را در گروه حمایتیه باهم مذکر ماندن، که مختص مردانی است که از سرطان بیضه رنج می‌برند، یافته است. (باشگاه مشت‌زنی ۲۲) در این گروه با مردی به نام باب آشنا می‌شود که به خاطر استفاده زیاد از استروئید، بیضه‌هایش را خارج کرده‌اند. باب، برای اولین بار باعث گریه کردن شخصیت اصلی در گروه‌های حمایتی می‌گردد. گریه کردن، بیماری بی‌خوابی او را درمان کرده، دیگر می‌تواند بخوابد و داروهای مسکن استفاده نکند. هر شب، با بازگشت به خانه راحت خود یا در باور دلوز و گاتاری، به قلمروی شناخته شده‌اش، "کانون گرم و کوچک خود را فارغ از هیاهوی بیرون می‌یابد." (باشگاه مشت‌زنی ۲۲) به دیگر سخن، مادامی که شخصیت اصلی در گروه حمایتیه با هم مذکر ماندن حضور دارد، زندگی‌اش خلاصه در یک چهارچوب مادی نیست بلکه عصاره تمام دنیا را در بدن خود حس کرده و گویی حسی "بهتر از حیات واقعی" دارد:

این‌ها تنها چیزهایی است که یادم می‌آید چون بعدش باب با بازوانش در آغوشم گرفت و سرش داشت پایین می‌آمد که دفنم کند. بعد من در نسیان گم شدم، تاریک و ساکت و کامل؛ و وقتی که بالاخره سرم را از روی سینه نرمش برداشتم جلوی پیراهن باب ماسک خیسی از صورتم بود که نشان می‌داد وقتی گریه می‌کنم چه شکلی می‌شوم. ... این آزادی بود. از دست دادن هر نوع امید آزادی بود. وقتی چیزی راجع به خودم نمی‌گفتم افراد گروه بدترین‌ها را در مورد تصور می‌کردند. بدتر گریه می‌کردند. بدتر گریه می‌کردم. ... هر عصر می‌مردم و هر عصر دوباره متولد می‌شدم. رستاخیزی دوباره. (باشگاه مشت‌زنی ۲۲)

تاثیر درمانی گروه حمایتیه با هم مذکر بودن با آمدن ناگهانی مارلا، شخصیت زن رمان، کم‌رنگ می‌گردد. از این قسمت رمان به بعد، نقش مارلا برای شخصیت اصلی رمان تغییر می‌کند. مارلا در ابتدای رمان تهدیدی برای شخصیت اصلی است. باوجودی که گروه

باهم مذکور بودن مختص مردانی است که از سرطان بیضه رنج می‌برند، اما مارالا با تمارض به بیماری در این گروه شرکت می‌کند. حضور مارالا در این گروه شخصیت اصلی را آزرده خاطر می‌کند چون می‌ترسد، دروغ خودش آشکار گردد. شخصیت اصلی، مارالا را شاید می‌خواند. آنچه او را می‌آزارد، تظاهر مارالا به بیماری نیست، بلکه رصد شدنش از جانب مارلاست. به عبارت دیگر، با حضور مارالا او محکوم به پذیرفتن تظاهر خود در گروه و بازگشت به زندگی واقعی است. شرکت در گروه‌های حمایتی به مثابه گریزی موقت به دنیای مجازی برای شخصیت اصلی بهتر از زندگی واقعی‌اش هست. بنابراین، خواهان "خارج شدن" مارالا از گروه است چون "تنها عامل حقیقی" در زندگی‌اش را سلب کرده است. (باشگاه مشت‌زنی ۲۴)

دومین گزینه شخصیت اصلی رمان باشگاه مشت‌زنی جهت رهایی از تنگ‌ناهای منتج از زندگی سرمایه‌داری، قلمروذایی ذهنی و جسمانی است. هدف این شخصیت برای مقاومت در برابر انقیاد بدن، به‌چالش طلبیدن تمامی قوانین جامعه سرمایه‌داری است که زندگی‌اش را نظام‌مند کرده است. با گریز از قلمروهای شناخته شده سرمایه‌داری محدودیت‌های حاکم را از هم‌گسیخته و "مختصات خاص خود را سامان می‌دهد تا صاحب اختیار خود باشد." نخستین قلمروذایی ذهنی شخصیت اصلی با ملاقات تایلر دردن در هواپیما رخ می‌دهد. تایلر از نظر فکری و شخصی نقطه مقابل شخصیت اصلی بوده و مظهر هرآن چیزی است که او رویای آن دارد از قبیل: بدنی کاملاً ورزیده جهت تحقق هویت مردانه مطلوب و خصلتی بی‌تفاوت با گرایش‌های زنانه مانند دکوراسیون و خرید کردن.

تایلر نه تنها قربانی نظام سرمایه‌داری مصرفی آمریکا نبوده بلکه "عصیانگری باهویت و رهایفته" از زندگی مصرفی است که با مشاغل نیمه‌وقت خود در برابر قوانین موجود می‌آشوبد. (ژیرو ۸) یکی از مشاغل تایلر خدمت‌کاری است که در ظرف سوپ ادرار یا انزال کرده و از "مردان سرمایه‌دار و همسران فربه‌شان که الماس‌هایی بزرگتر از هیکل راوی داستان به گردن آویخته‌اند" پذیرایی می‌کند. (باشگاه مشت‌زنی ۸۰) تایلر خود را "یک خدمات‌چی تروریست، چریک پیش‌خدمت، یاغی کم‌اجرت" می‌داند که با جسم دون پایه و مایعات نکبت بار درونش از قشر مرفه جامعه انتقام می‌گیرد. (همان‌جا ۸۴) شغل دیگر تایلر صابون‌فروشی است. صابون‌هایی گران‌قیمت که از دزدیدن چربی‌های لیپوساکشن شده افراد ثروتمند ساخته است. فروختن چربی اضافی زنان ثروتمند به خودشان نه‌تنها تدبیری طعنه‌آمیز بلکه به‌بازی گرفتن زیرکانه جامعه مصرفی است که تایلر با این کار، منطقی که در پس نقاب سرمایه‌داری پنهان

شده است را واژگون می‌کند. کواودلو نیز بر این باور است که، "صابون نه‌تنها محصول جامعه سرمایه‌داری مصرفی است بلکه گریزی جهت واژگون کردن و به‌طور طعنه‌آمیز سود بردن از آن است. صابون که نماد بهداشت آمریکایی است حالا دیگر به جای تحکیم پایه‌های فرهنگ درصدد متزلزل ساختن آن است." (۱۱۱) با تحلیل چنین کنش‌های آشوبگرانه می‌بهرن است که تایلر آن جسم جدیدی است که آفریده شده تا فراتر از محدودیت‌ها رفته و گریزی از نظام سرمایه‌داری حاکم برای شخصیت اصلی سامان دهد.

باشگاه مشت‌زنی در قیاس با باشگاه‌های بدن‌سازی شانس بهتری را برای مردان عضو آن رقم می‌زند چون در این باشگاه بدن افراد به میدان نبردی در برابر محدودیت‌های نظام سرمایه‌داری بدل می‌شود. همان‌طور که مایکل کیمل بیان می‌کند: میلیون‌ها مرد آمریکایی در مراکز ورزشی عیار مردانگی خود را می‌سنجند چون "همیشه در آمریکا مردانگی به داشتن بدن مردانه بوده است" (۲۲۴). مردان آمریکایی سعی کرده‌اند با تمرین‌های افراطی در مراکز ورزشی به حدود و ثغور بدن خود پی‌برده و اهمیت زیادی به رژیم غذایی خود نشان داده‌اند. بدن مردان به محملی بدل گشته که توسط آن به ابراز وجود خود پرداخته، هویت خود را در معرض فروش گذاشته و مردانگی‌شان را احیا می‌کنند. هدف مردان با تبدیل بدن‌های خود به موجودیتی آرمانی خوشایند بودن در نگاه دیگران است. اما در باشگاه مشت‌زنی این دیگر بدن عضلانی شکل‌یافته نیست که در کانون توجه است چون مردانگی "معنای مورد نظر یک مجسمه‌ساز یا مدیر هنری نیست" بلکه زخم‌ها، جراحت‌ها، چشمان ورم‌کرده، بینی‌های خون‌آلود و فک‌های ترکیده هستند که نشان‌گر مردانگی‌اند (باشگاه مشت‌زنی ۵۰). دیگر به‌جای کلی نگرستن به بدن، اجزای مثله و تکه‌تکه شده آن‌را باید نشان رجولیت دانست. مردان عضو در باشگاه مشت‌زنی با بدن‌های کبودشده، چاله‌ها و بخیه‌های بزرگ یکدیگر را در جامعه بیرون می‌شناسند. این مردان با علم بر این که بدن هر فردی در تملک شخصی اوست در برابر نیروهای حاکم در نظام سرمایه‌داری می‌آشوبند. نظامی که اختیار بدن افراد را نیز از آنها سلب کرده است.

برای شخصیت اصلی رمان باشگاه مشت‌زنی "فرارفتن از بدن" تنها با خشونت عینیت می‌یابد چون کلمات در این باشگاه محلی از اعراب ندارند. خشونت باعث می‌شود مردانی که گویی "به‌ظرافت چوب بدن‌شان را تراشیده‌اند" به آدم‌هایی سفت و سخت بدل گردند (پالانیک ۵۱). خشونت در باشگاه مشت‌زنی ابزار پرخاش‌گری نیست بلکه "با پالایشی درونی، رهایی از

تمامی سرخوردگی‌های فروخورده ناشی از حقارت‌های بی‌شمار زندگی روزمره و لزوم خویشتن‌داری احساسی- جمعی متعاقب آن است" (نقل در لیزاردو ۲۳۵). برای شخصیت اصلی باشگاه مشت‌زنی، یا بهتر بگوییم برای تایلر دردن، لذت و رضایت بدن در درد و ویرانی‌ست. شخصیت اصلی برای فائق‌آمدن مجدد بر زندگی و نائل‌شدن به بدن بدون اندام محکوم به زایل‌کردن یکپارچگی بدن خود است. اما در ابتدا باید به "حضیض ذلت رسید":

تایلر به من می‌گه که هنوز در مرز آش‌ولاش شدن نیستی و این را بدون اگر یک‌روز کله‌پا نشی نجات پیدا نمی‌کنی. عیسی مسیح هم با تصلیب نجات یافت. آره، باید قید پول و سرمایه و دانش رو زد. با یک هفته پاپس کشیدن نمیشه. باید قید خوداصلاحی رو زد و به تاخت سمت فاجعه رفت. دیگه نمیشه جانب احتیاط را رعایت کرد....تنها بعد از مصیبت میشه احیا شد. تایلر میگه: "بعد از این که همه چیزتو از دست دادی می‌تونی کاری بکنی." حالا دیگه حس روشن‌بینی نابهنگام رو دارم. (باشگاه مشت‌زنی ۷۰)

### نتیجه‌گیری

نمود مصرف به انحاء مختلف در آثار ادبی قابل مشاهده است که یکی از برجسته‌ترین انواع آن، مقاومت در برابر نظام سرمایه‌داری است که به طور نامرئی درصدد سلب هویت افراد انسانی است. شخصیت اصلی باشگاه مشت‌زنی در بدو سفرش فردی سازگار و تسلیم نظام سرمایه‌داری پدرسالارانه جامعه آمریکا هست و خود را به جریان دنیایی سپرده که قدرت طبقه سرمایه‌داری امیال افراد جامعه را سرکوب می‌کند. نظام پدرسالارانه سرمایه‌داری با انقیاد بدن و هدایت امیال راوی، معضلی را برای او آفریده است که نگو و نپرس. برای شخصیت اصلی، بی‌خوابی محصول نارضایتی از جامعه سرمایه‌داری‌ست که جهت‌رهایی از آن باید جریان امیال خود را هدایت کرده و رجولیت خود را به‌منصه ظهور رساند. راوی با به‌حرکت درآوردن ماشین امیال خود به جریان‌های دیگر متصل شده و از خشونت به‌عنوان ابزاری در برابر نظام سرمایه‌داری مصرفی استفاده می‌کند. خشونت برای راوی راهی نیست که او را به خودنابودسازی هدایت کند بلکه طریقی جهت برون رفتن از نابودی است. شخصیت اصلی رمان باشگاه مشت‌زنی با رها کردن خود از زندگی از پیش مقدر شده در نظام سرمایه‌داری، با قلمرو دایمی ذهنی و جسمانی در مرزهای نامعینی گشت می‌زند. او نه فقط از جامعه خود را می‌گسلد بلکه هر آنچه که جامعه محکوم کرده را اجرا می‌کند چون آنچه سلامت فرد است

بیماری جامعه اطلاق می‌شود. او دیگر فردی است که بودن در مرزهای معین نظام سرمایه‌داری را بر نمی‌تابد و ملزم است که با پایداری خود را فردی آزاد، غیرمسئول، شادمان و خلوت‌گزین بی‌آفریند.

### منابع

باکاک، رابرت، مصرف. ترجمه خسرو صبری، تهران: شیرازه، ۱۳۸۱.  
بودریار، ژان، جامعه مصرفی: اسطوره‌ها و ساختارها. ترجمه پیروز ایزدی، تهران: ثالث، ۱۳۸۹.

پُستمن، نیل، زندگی در عیش مردن در خوشی: زوال فرهنگ در بستر عشرت. ترجمه دکتر صادق طباطبائی، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۵.

کاظمی، عباس، پرسه‌زنی و زندگی روزمره ایرانی. تهران: آشیان، ۱۳۸۸.

Annesley, James. *Blank Fictions: Consumerism, Culture and the Contemporary American Novel*.

London: Pluto Press, 1998.

Ash, Scott. "Going to Body: The Tension of Freedom/ Restraint in Palahniuk's Novels." In *Sacred and*

*Immoral: on the Writings of Chuck Palahniuk*. Newcastle: Cambridge Scholars, 2009.

Baudrillard, Jean. *Consumer Society*. George Ritzer. London: Sage, 1998.

---. *The System of Objects*. 1968. 2<sup>nd</sup> Ed. Trans. James Benedict. London, New York: Verso, 2005.

Bennett, Robert. "The Death of Sisyphus: Existentialist Literature and the Cultural Logic of Chuck

Palahniuk's *Fight Club*." *Stirring Still: The International Journal of Existentialist Literature*, vol. 2.

No.2 (Fall 2005), p. 65.

Bocock, Robert. *Consumption*. London: Routledge, 1993.

Burgess, Olivia Anne. "Utopian Body: Alternative Experiences of Embodiment 20th Century Utopian Literature." Diss. Texas AM U, 2010. Dissertations and Theses. Web. 25 Apr 2014.

Deleuze, Gilles, and Felix Guattari. *Anti-Oedipus: Capitalism and Schizophrenia*. Trans. Robert

Hurley, Mark Seem. Minneapolis: Minnesota Press, 1977.

---. *Capitalism and Schizophrenia: A Thousand Plateaus*. Trans. Brian Massumi. Minneapolis: U of Minnesota, 1987.



- . "Thirteenth Series of the Schizophrenic and the Little Girl." *The Logic of Sense*. Ed. Constantin V.
- Fox, Nick J. "Refracting 'Health': Deleuze, Guattari and Body-self." *An Interdisciplinary Journal for the Social Study of Health, Illness and Medicine* 6.3 (2002): 347-363. EBSCOhost. Web. 5 May 2014.
- Ellis, Bret Easton. *Less Than Zero*. New York: Simon and Schuster, 1985; London: Picador, 1986.
- Giroux, Henry. "Private Satisfaction and Public Disorders: Fight Club, Patriarchy and the Politics of Masculine Violence." *JAC* 21.1 (2001): 1-31. Web. 5 May 2014.
- Kavadlo, Jesse. "The Fiction of Self-destruction: Chuck Palahniuk: Closet Moralism." *Stirring Still: The International Journal of Existentialist Literature*, vol. 2. No.2 (Winter 2005), p. 3.
- Kılıçarslan, Cem. "The Wisdom of Our Fists: The Male Ritual in David Fincher's Fight Club." *The Journal of American Literature and Culture* (2000-2001): 50-84.
- Kuhn, Cynthia. "I am Marla's Monstrous Wound: Fight Club and the Gothic." *Kuhn and Rubin* 36-48.
- Lewis, Barry. "Postmodernism and Literature (or: Word Salad Days, 1960-90)" in *Routledge Companion to Postmodernism*. London: Routledge, 2001.
- Lizardo, Omar. "Fight Club, or the Cultural Contradictions of Late Capitalism." *Journal for Cultural Research* 11 (July 2007): 221-243. EBSCOhost. Web. 5 May 2014.
- Mackendrick, Kenneth. "Chuck Palahniuk and the New Journalism Revolution." In *Sacred and Immoral: on the Writings of Chuck Palahniuk*. Newcastle: Cambridge Scholars, 2009.
- Mookerjee, Robin. *Transgressive Fiction: The New Satiric Tradition*. New York: Palgrave Mac Millan, 2013.
- Palahniuk, Chuck. *Fight Club*. 1996. Libgen. Web. 26 Apr. 2016.
- Rocha, Antonio Casado. "Disease and Community in Chuck Palahniuk's Early Fiction." *Stirring Still: The International Journal of Existentialist Literature*, vol. 2. No.2 (Fall 2005), p. 105.
- Sartain, Jeffrey A. *Sacred and Immoral: on the Writings of Chuck Palahniuk*. Newcastle: Cambridge Scholars, 2009.
- Young, Elizabeth and Graham Caveney. *Shopping in Space: Essays on American Blank Generation Fiction*. New York and London: Serpent's Tail, 1992.